

WHAT THE IRANIAN NAME THEIR CHILDREN ایرانیان فرزندان خود را چه می نامند

فرهنگ جامع نام‌های ایرانی

نام‌های ایرانیان از دیرباز تا امروز مشتمل بر نام‌های
اسطوره‌یی، اوستایی، شاهنامه‌یی، اسلامی،
قومیت‌های ایرانی: کردی، آذری، ارمنی، آشوری و ...

تهیه و تدوین: سودابه مبشر



WHAT THE IRANIAN NAME THEIR CHILDREN ایرانیان فرزندان خود را چه می نامند

فرهنگ جامع نام های ایرانی

تهیه و تدوین: سودابه میسر



طراح جلد: سعید زاشکانی

لیتوگرافی: طیف نگار

چاپ: نشانه

صحافی: دیدآور

چاپ اول: ۱۳۸۵

شمارگان: ۳۵۰۰ نسخه

شابک: ۹۶۴-۶۸۹۵-۵۸-۱

ناشر: نامک

مرکز پخش: پخش کتاب سبحان / تهران، میدان انقلاب، خیابان

انقلاب، خیابان اردیبهشت، نبش کوی بهشت آئین،

پلاک ۱۸۱/۱، تلفن: ۶۶۹۵۲۵۷۲

میسر، سودابه
ایرانیان فرزندان خود را چه می نامند فرهنگ جامع نام های ایرانی:
نام های ایرانیان از دیرباز تا امروز مشتمل برنام های اسطوره ای... / تهیه
و تدوین: سودابه میسر. -- تهران: نامک، ۱۳۸۴. ۲۷۶ ص.

ISBN 964-6895-58-1

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا،
نمایه،

۱. نامهای ایرانی. ۲. نامهای اسلامی -- ایران. ۳. نامهای اشخاص
-- ایران. الف. عنوان.
CS۳۰۲۰ / م۲ الف ۹۲۹ / ۲۲

۸۲-۳۳۱۲۴

کتابخانه ملی ایران

مقدمه

نام‌های محمد، علی، بهمن، فیروز، بهروز، فاطمه، سمیه، رقیه، ام‌کلثوم، زینت، یاسر، میثم، بیتا، آمیتا و تینا هر یک چه تصویرهای ذهنی‌یی را در آینه خیال شما نقش می‌زنند، بدیهی است من ایرانی آشنا با فرهنگ ایران زمین و نیز همه ایرانیان آشنا با این فرهنگ قادرند با یک نگاه در میان این اسامی، نام‌های پسران را از دختران بازشناسند؛ همه می‌دانیم محمد، بهمن و فیروز نام پسران است و فاطمه، سمیه و رقیه نام دختران و باز آنان که دقیق‌تر فرهنگ ایران زمین را می‌شناسند در می‌یابند رقیه و ام‌کلثوم نام‌های دختران خانواده‌های سنتی مذهبی و محمد و علی متعلق به خانواده‌های ملی - مذهبی و بهمن، بهروز و فیروز متعلق به خانواده‌های باگرایش ملی و بیتا، ریتا و تینا دخترانی متعلق به خانواده‌های مدرن شهرنشین امروزی هستند. بی‌گمان شنیدن نام تینا برای دخترکی باگونه‌های سرخ و روسری گلدار که کوزه بر دوش دارد تا به سرچشمه رود و آب از چشمه‌ساران لرستان بیاورد، در اندیشه و ذهن و خیال هیچ ایرانی آشنا با فرهنگ و آیین‌ها و سلوک این مردم نمی‌نشیند، هم‌چنان که در ذهن هر ایرانی نام حشمت‌الملوک و اشرف‌الملوک، نامی است متعلق به زنانی لااقل بالاتر از شصت سال، نام‌های کوکب و کسور به بانوانی تعلق می‌گیرد که لااقل پنجاه سال را پشت سر گذاشته‌اند و نام‌های آهنگین، تینا، ریتا و بیتا به دختران جوانی نسبت داده می‌شود که دشوار سی بهار را پشت

سرگذاشته باشند و البته می‌توان «ریتا» خانم پنجاه ساله نیز یافت، اما به ندرت و ناباورانه. با این مقدمات در می‌یابیم نام، فقط یک نام نیست که بیان‌گر نوعی پایگاه اجتماعی فرهنگی، ایدئولوژیک، سیاسی و حتی اقتصادی است، به سخن روشن‌تر نام، یک هویت است، هویتی که بیان‌گر بسیاری از خصوصیات دینی، فردی و اجتماعی است. بسیار طبیعی است که وقتی کسی خود را با نام «هاسمیک» معرفی می‌کند از او سؤال کنید آیا مسیحی هستید، یا وقتی کسی خود را روزان معرفی کند و بگوید که کرد نیست، متحیر نگاهش کنید که چرا نام مردم خوب کرد کشورمان را بر خود نهاده است.

در پی این مقدمه برآنم در باب نام و آثار اجتماعی-اقتصادی و فرهنگی آن به تفصیل سخن بگویم. به همین روی با تعریف نام شروع می‌کنیم:

دایرة المعارف بریتانیکا این گونه در زیر سرشناسه Name، نام را معرفی می‌کند:

تعریف نام

نام کلمه یا گروه کوچکی از کلمات است تا موجودیت فردیتی خواه واقعی و خواه خیالی را در تمامیت هستی‌اش بنمایاند. اصطلاح «اسم‌عام» گاه تا حدودی معادل اسم یا نام دستوری قرار می‌گیرد، اگرچه در این رویکرد، آن چه مشخصاً مورد نظر است اسم یا نام خاص است که اصطلاحاً اسم «علم» خوانده می‌شود، هر چند که نمی‌توان خط فاصل کاملاً منطقی مشخصی بین دو طبقه نام یعنی خاص و عام کشید.

هر نام از نظر دایرة المعارف بریتانیکا یک برچسب است و اگر واژه را منفی بگیریم یک «انگ» است و اگرچه نه با دقت که با اندکی تسامح می‌توان نام‌ها را در «نه» طبقه جای داد:

۱. نام‌های شخصی

۲. نام‌های شبه شخصی، نظیر نامی که به حیوانی مشخص و اشیایی که تشخیص انسانی یافته‌اند (نظیر کشتی‌ها یا عروسک‌ها) داده می‌شود و نیز توفان‌هایی که اخیراً برای ایالات متحده ویرانی آورده‌اند چون کاترینا.

۳. نام‌هایی که به اشیای بدون تشخیص انسانی داده شده، اما هم‌چنان برجسته و چشم‌گیر است مانند «صخره پلیموت»

۴. نام جای‌ها یا مکان‌ها [مانند تهران، قم، مشهد، اردبیل، کاشان و...]
 ۵. نام‌های گروه‌های اجتماعی یا سازمان‌ها مانند آلمان‌ها، شیعه‌ها، سنی‌ها، صائبین، کردها، ایران خودرو، سازمان جلب سیادان.
 ۶. عناوین آثار هنری مانند تابلوی مونا لیزا، بهشت گمشده، کلیدر، تخت جمشید.
 ۷. نام‌ها تجاری چون آسپرین، کلینکس، اف اف، سایپا، پراید، وازلین.
 ۸. نام‌های حوادث یا ادوار تاریخی مانند عصر هخامنشیان، ساسانیان، دوره اسلامی، جنگ‌های صلیبی، استبداد صغیر، رنسانس
 ۹. نام‌های ذهنی و تجربیدی که تعین عینی یا تشخص مشخصی ندارند مانند کلبی مسلکی و هرهری مذهب، بی معرفت. این نام‌ها عمدتاً صفت هستند که جای‌گزین اسم شده‌اند که در این خصوص نیز اشاره‌ی خواهیم داشت.
- یک نام می‌تواند هم‌زمان در دو یا چند طبقه از طبقات یاد شده قرار گیرد. برای مثال «ابن سینا» یک شخصیت علمی، فرهنگی و سیاسی است، یک داروخانه است، یک خیابان است و یک نشان علمی است و نام یک مراسم بزرگداشت برای دانش‌مندان معاصر است.
- نام‌های شخصی همان شیوه تکاملی و انتقالی و تطوری را طی می‌کنند که سایر اجزای زبانی و واژه‌های روزمره طی می‌کنند. آنان ممکن است به تدریج از یک فرهنگ، جذب فرهنگی دیگر شوند [چنان‌که اسامی ترکی، عربی وارد زبان فارسی شده و بسیاری نام‌های ایرانی وارد زبان‌های ترکی و عربی شده است].
- بعضی نام‌ها از آغاز دست نخورده باقی می‌مانند: شیرین، پروین، فرهاد و بعضی نام‌ها در طول زمان تطور و تحول می‌یابند: اورمزد ← هرمزد ← هرمز
- نام‌های خانوادگی یا نام فامیلی پدیده‌ی نسبتاً جدید در جهان هستند که در این سرزمین گاه جنبه صفت نسبی دارند: تهرانی، شیرازی، اصفهانی، کاشانی، یا منسوب به قوم یا قبیله یا شاخه‌هایی از یک قوم هستند: بختیاری، قشقایی، یا نام خود قبیله را دارند: افشار، چهارلنگ، هفت لنگ و گاه انتساب‌شان به مکانی مشخص بدون «ی» نسبت است: اپیانه.

عمر و سابقه نام خانوادگی در ایران دشوار به صد سال برسد و در گذشته برای مشخص کردن و متمایز گردانیدن دو نفر که اسم واحدی داشتند معمولاً خصوصیات صوری و فردی وی را ذکر می‌کنند که غالباً از نظر اجتماعی و اخلاقی مزوم است: حسن درازه [اوزون حسن]، رضا خال‌دار، غلام آبله‌رو. و برخی را به یاری شغل‌شان مشخص می‌کردند: داود حمامی، رضا قصاب، جواد آهنگر، شاطر عباس.

اهمیت نام خانوادگی موجب شد که نسل‌های بعدی، در تغییر نام‌های خانوادگی بی‌که فاقد معنای قابل قبول بود، بکوشند و امروزه نام‌های خانوادگی بی‌را می‌توان یافت که چه از نظر معنایی و چه از نظر آوایی بسیار دل‌نشین هستند؛ نام‌بی چون آری، آریایی، مهرافروز و مهرافزا تقریباً همه نام‌هایی جدید هستند و جای‌گزین نام‌های خانوادگی اجاقی، اخطسی، حماروند، نمایی، فرتوت و نظایر آن شده‌اند.

ظهور نام‌هایی با پسوند نیز نسبتاً جدید است و از آن‌جا که سطح دانش و فهم زبانی مردم نسبتاً افزایش و تعالی یافته پسوندهای خوش معنا و زیبایی چون «شکیب»، «مهر»، «آریا» و «جم» قویاً باب شده است.

در هر حال در کتاب حاضر بحث در باب نام‌های خانوادگی نیست و به همین جهت سخن را در همین جا کوتاه می‌کنم و می‌پردازم به موضوع اصلی کتاب که نام‌های نخست ایرانیان است. یک نکته را در همین جا متذکر شوم و آن این که وقتی سخن از نام‌های ایرانی می‌شود، مقصود نام‌هایی است که در حوزه فرهنگ ایران شکل گرفته و نهاده می‌شود که این حوزه فرهنگی به مراتب وسیع‌تر و گسترده‌تر از حوزه جغرافیایی است. اگرچه در اروپا نام خانوادگی ابتدا در میان اشراف باب شد و به تدریج به لایه زیرین اجتماع راه یافت. لکن در ایران این چنین نبود و اشراف صرفاً از طریق لقب‌شان شناخته می‌شدند: مستوفی‌الممالک (این نام ریشه در شغل مستوفی - وزیر دارایی - دارد) مشیرالدوله؛ مؤتمن الملک و...

طبقه‌بندی‌های نام

علمی که به بررسی نام‌ها و وجوه مختلف آن می‌پردازد «علم الاعلام» خوانده می‌شود

که امروزه واژه‌ی منسوخ است. موضوع این علم بسیار وسیع است زیرا حوزه مطالعاتی آن می‌تواند به همه عرصه‌هایی راه یابد که به «نام» مربوط می‌شود و نیز به قلمروی که به طور نظری در برگیرنده همه زبان‌ها، همه عرصه‌های جغرافیایی و فرهنگی و همه اعصار تاریخی است. برای مقاصد اجرایی، برخی تقسیم‌بندی‌های موضوعی ضرورت دارد؛ برای مثال از نظر زبانی یا جغرافیایی، تاریخی یا تقسیمات مشابه آن. تقسیم‌بندی دیگر مربوط به خصوصیت نام است که مربوط به شخص یا مکان و یا یک حادثه تاریخی است. در هر صورت هر یک از این طبقه‌بندی‌ها، لازم است مورد بررسی قرار گیرد زیرا آثار انتقالی یا جابه‌جایی و تطوری دارند. برای مثال، بسیاری از نام مکان‌ها از نام اشخاص گرفته شده است: ولی‌آباد، حسن‌آباد، یوسف‌آباد، احتشامیه، رباط کریم، داودیه، تخت‌جمشید، تخت سلیمان و بسیاری از نام‌های حوادث تاریخی از نام شخص ناشی شده است؛ مانند جنگ مارتن، نبرد ناپلئون و نام برخی اشیاء از نام انسان است: ساندویچ که غذای خود را گازی (نه قاضی یا غازی) سفارش می‌داده و کروات که نام مردم کرواسی است.

نام‌گذاری

نام از اهمیت ویژه‌ی برخوردار است چرا که تا پایان عمر شخص و حتی پس از مرگ صاحب نام، بر فرزندان و عقبابش اثر می‌گذارد و آثار آن باقی می‌ماند. به همین روی در خانواده‌های ایرانی بالاخص خانواده‌های فرهیخته‌تر، نام‌گذاری با آداب و آیین‌های خاصی صورت می‌گیرد. در میان جامعه‌یی که اکثر مردم آن مسلمان هستند، نام معمولاً توسط پدر یا مادر یا اقوام نزدیک چون دایی و عمو بر کودک گذارده می‌شود. بر خانواده‌هایی که روح مذهبی حاکم است، بزرگ خانواده در گوش نوزاد اذان می‌گویند و سپس به او یادآور می‌شود که نامش اکبر یا فاطمه یا پروین یا خسرو است حتی نام‌های اصیل ایرانی که ربطی به نام‌های عربی یا ظاهراً اسلامی ندارند نیز همراه با اذان نهاده می‌شد و می‌شود و سپس نام نوزاد را همراه با تاریخ تولد او در صفحه آغازین قرآن ثبت می‌کردند، زیرا قرآن کریم، به جهت قداست آن از توجه و مراقبت ویژه‌ی برخوردار بوده و

هست و دیرینه سالی قرآن‌ها در خانواده‌ها و تاریخ تولد کودک در آن ثبت شده باقی می‌ماند.

در سده اخیر که ثبت احوال باب شد، رسم ثبت نام نواز در صفحه آستر بدرقه قرآن متوقف شد و به جای آن برای نوزاد شناسنامه صادر می‌شود. در میان برخی اقوام ایرانی مانند ترکمنان، رسم چنان بود که صفحه‌یی از قرآن را می‌گشودند و اولین کلمه سمت راست را بر کودک نام می‌نهادند و بر این باور بودند هر چه در قرآن ذکر شده، پاک و مقدس است و بدیهی است بر خلاف تصورشان وجود کلمات و نام‌هایی چون شیطان، رجیم، ابی‌لهب نمی‌تواند مقدس باشد. گاه نام کودک «طه» شده است که امروزه نیز تداول دارد. اما این رسم نیز در میان ترکمنان منسوخ شده است بعضی از اقوام روز تولد کودک را بر روی او می‌گذارند: جمعه، شنبه، و اگر کودک در روز عید قربان به دنیا می‌آید، نام «حاجی» را به او می‌دادند، بی‌آن که به حج رفته باشد.

نام و معنای آن

امروزه یکی از مهم‌ترین عناصر در گزینش نام، توجه به معنای نام و مفاهیم مرتبط با آن است و این امر ناشی از افزایش آگاهی‌های زبانی و کسب دانش زبان ادبی است. ورود نام‌هایی با معانی زیبا به قلمرو نام‌های ایرانی چون «فرزانه» به معنای صاحب خرد و اندیشه، «ترانه» به معنای کلام آهنگین، «تیرازه» به معنای رنگین کمان و ده‌ها نام خوش معنای دیگر چه برای پسران و چه بالاخص برای دختران به سبب همین آگاهی است.

در عین حال نام‌های بسیاری نیز وجود دارد که نمی‌توان معنایی برای آن‌ها جست‌وجو کرد؛ برای مثال نام مریم که صورت اروپایی آن ماری یا مری شده است فاقد معناست و بی‌تردید بعدها به سبب قداست آن، که نام مادر حضرت عیسی بوده است، این نام به گل مریم داده شده؛ کماکان که نام گل محمدی مقدم بر نام حضرت محمد نیست و تأخر دارد و نیز چنین است نام یوسف و کامبیز (صورت باستانی آن کمبوجیه).

نام‌های عربی عمدتاً معنادار هستند، اما ایرانیان در گزینش نام‌های عربی که صبغه اسلامی دارند، بی‌توجه به معنای نام هستند و عمدتاً اعتنای آنان به مرجع اصلی نام

است. اگر پدری یا مادری نام فرزند خود را کاظم می‌گذارد، توجهی ندارند که این نام از واژه کاظم به معنای فروخوردن خشم گرفته شده و کاظم خود اسم فاعل و به معنای فروخورنده خشم است، بلکه توجه ایشان به لقب امام هفتم شیعیان امام موسی کاظم (ع) است و نیز چنین است در مورد صادق، باقر، حسن، حسین، علی و حتی خود موسی، نام موسی از واژه عبری «موشه» به معنای از آب گرفته فراز آمده است و اگر خانواده‌های مذهبی شیعی ایرانی ریشه این نام را بدانند شاید نسبت به گذاردن این نام بر فرزندان تشکیک کنند. و یا نام «هاشم» به معنای آن کسی که نان را ترید می‌کند، معنای چندان دل‌نشینی ندارد، لکن ایرانیان و بالخصوص شیعیان، به جهت ارادت خاص به خاندان بنی‌هاشم که از قریش است و پیامبر اکرم از این خاندان است بدون توجه به معنای لغوی این نام، آن را بر فرزندان خود می‌نهند، گفتنی است که خاندان بنی‌هاشم در میان اعراب و ایرانیان حتی قبل از ظهور اسلام به نجابت و شرافت شهرت داشته‌اند. افراد این طایفه غالباً پرده‌داری (سدانت) خانه کعبه را در دست داشتند و هم‌چنین نام «میثم» که به معنای رشته‌یی است که به پای شتر بندند تا دورها نرود، اما انتخاب این نام به جهت نام میثم تمار است که از خواص اصحاب علی ابیطالب (ع) به شمار می‌آمده.

گاه بعضی نام‌ها معنای نازیبایی دارند ولی ایرانیان به جهت صورت آن، چنان نام‌هایی را بر می‌گزینند بی‌آن که به معنای آن توجهی کنند: «ویدا» به معنای کم، ناقص و عیب‌ناک است و بسیاری از خانواده بی‌توجه به معنای ناپسند آن، این نام را بر فرزندان دختر خود می‌نهند و یا «سمیه»، نام زنی روسپی بوده که بعدها توبه می‌کند.

جنبه‌های قانونی نام‌گذاری

با آن که نام افراد عمدتاً جنبه فردی، شخصی و خصوصی دارد، لکن به جهت وجوه و آثار اجتماعی، سیاسی و ایدئولوژیک آن، چارچوب‌های قانونی برای اسم‌گذاری در اکثر کشورهای جهان پیش‌بینی شده است. هر چند در عین وجود مقررات موضوعه، عرف حرف اول را می‌زند و تقریباً در همه جهان بر مبنای عرف نام‌گذاری می‌کنند.

آمریکا و انگلستان تنها کشورهایی هستند که عملاً به قوانین رومی در نام‌گذاری وفا

دارند یعنی یک فرد اجازه دارد و محق است نام خود را مگر برای مقاصد فریب‌کارانه و تقلب تغییر دهد.

نخستین مقررات مهم در خصوص نام در ارتباط با تصمیم اتخاذ شده در شورای ترنت (۱۵۶۳) است که تصریح دارد هر کشیش کاتولیک رومی که مراسم غسل تعمید را به جای می‌آورد باید به این نکته توجه داشته باشد که بر کودکان نام‌های قدیسان کاتولیک را به عنوان نام دوم کودک بگذارد. این مقررات به عنوان قانون شرع در برابر سنت پروتستانیسم لحاظ می‌شد (در آن زمان در حال اوج گرفتن بود) که می‌کوشید اسامی توراتی را که ارتباطی با مسیحیت نداشت - ابراهیم، شموئیل، راشل - بر نوزادان بگذارد و هنوز هم این نگرش مرعی است. در کشورهای کاتولیک مذهب این مقررات با اقبال مواجه شد؛ اما با این حال موفق نشد بهره‌گیری از نام‌های تعمیدی مثل سزار در ایتالیا را متوقف کند.

قانون مهم دیگری که در این خصوص در فرانسه از تصویب گذشت، پس از انقلاب کبیر فرانسه بود. در دوران پس از انقلاب کبیر فرانسه، در آغاز برای نام‌گذاری آزادی کامل عطا شده بود، نتیجه آن شد که برخی والدین نام‌های عجیب و غریب بر فرزندان خود نهادند؛ نام‌هایی چون «مرگ اشراف زادگان»، «ریشه آزادی» یا حتی نامی چون «کافه بیلار». در سال ۱۸۰۳ برای متوقف کردن این نوع نام‌ها و محدود گرداندن نام‌ها به اشخاص تاریخی و نام‌هایی که در سال‌نامه‌ها و روزشمارها ثبت می‌شد، قانونی وضع شد که نهادن نام‌های بحث‌برانگیزی چون مارتا و روبسپر و نام‌های ادبی چون آرامیس، دارتانیو و رومئو را جلوگیری کرد. آن‌گونه که منطق حکم می‌کرد، این قانون چندان سخت‌گیرانه اعمال نشد، چنان‌که نام‌هایی چون زانت و هانریت باب شد و هر چند که این نام‌ها مشروع و قانونی نبودند و در هیچ روزشمار یا نام‌نامه‌یی ضبط نشده بود. در فرانسه این قانون هنوز نیز اعتبار دارد اگرچه چندان رعایت نمی‌شود.

در اروپای شرقی و در برخی کشورهای مجاور آسیای میانه، قوانین مشابهی به تصویب رسیده که والدین تنها اجازه دارند نام‌های شناخته شده و رایج را بر فرزندان خود بگذارند. نتیجه آن شده است که نام‌های رومی کم و بیش در این کشورها همان نام‌های

پیش از انقلاب کبیر است. در لیتوانی نام‌های مسیحی رواج دارد، حال آن‌که نام‌های اسلامی و سایر نام‌ها در ازبکستان و تاجیکستان مرسوم است.

در ایران قبل از انقلاب اسلامی، نام‌گذاری تقریباً بدون هیچ محدودیتی صورت می‌گرفت و والدین مجاز بودند نام‌های فرنگی را نیز برای فرزندان خود برگزینند به همین روی که گاه نام‌هایی چون مونیکا، ورونیکا، مدیا مشاهده می‌شد، گرچه نام‌گذاری آزاد بود، لکن به ندرت این گونه نام‌ها مشاهده می‌شد و ترجیح مردم شهرنشین شد عمدتاً به نام‌های ملی و شاهنامه‌یی و البته نام‌هایی بود که صبغه اسلامی داشت. در هر حال آن آزادی تقریباً هرگز به بی‌بندباری نام‌گذاری منجر نشده بود.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، سازمان ثبت احوال با صدور شناسنامه برای نوزادانی با نام‌های اروپایی و آمریکایی یا آن‌چه اصطلاحاً فرنگی گفته می‌شود، مخالفت کرد و ضابطه انتخاب نام‌ها را منابع مستند فارسی چون لغت‌نامه دهخدا و سایر واژه‌نامه‌ها یا فرهنگ‌های معتبر دانست.

در ایران اسلامی مخالفت با نام‌های فرنگی محدود به نام اشخاص نمی‌شود و اصولاً این رویکرد یعنی جلوگیری از فرنگی مآبی با نام شرکت‌های ایرانی و نیز تولیداتی که نام و نشان بر روی آن ثبت می‌شود آغاز شد و به نام اشخاص منتهی گردید. این برخورد موجب شد خانواده‌های امروزی و مدرن در نام‌گذاری فرزندان‌شان در طلب ترکیبات جدید و یا نام‌هایی بروند که عمدتاً فارسی پاک و سره است. ظهور نام‌هایی جدید چون «ساویز» به معنای خوش خلق و نیک‌خو و شاندیز (مرکب از شان + دیز یا دیس) و پورشاد و پری‌شاد و پورشان از جمله این نام‌هاست.

نام‌ها از نظر ساختاری

تحول نام‌های شخصی امری پیچیده است، در نظام زبانی هند و اروپایی باستان هر فردی یک نام داشت که می‌توانست به دو صورت باشد: مرکب یا بسیط. اسامی بسیط اصولاً به کسانی داده می‌شد که اعضای فرو دست قبیله بودند و فرزندان آنان نیز به همین صورت نام بسیط داشتند. اسامی مرکب غالباً همراه با پسوند «خدا» یا «اله» بود که اسامی

خداگونه نامیده می‌شد یا اسامی‌یی که شهادت می‌داد بر فضیلت، قابلیت، مهارت، مالکیت خداوندگار. پیوستگی معانی بخش‌های نام‌های مرکب گاه بسیار گسترده بود، از جمله نام‌های مرکب در زبان سنسکریت می‌توان از ویشنو پوترا (پسر ویشنو)، دواداتا (خداداد)، دواراجا (خدا شاه) نام برد.

از نام‌های اوستایی در ایران می‌توان از هرمزآفرید و نام‌های باستانی ایرانی میتراداته به معنای «داده میترا» یاد کرد.

در ایران امروز با دو پسوند «اله» به معنای بت و «الله» به معنای خدا بسیار نام‌ها ساخته شده که همه بیان‌گر قدرت و شوکت خداوندگاری است و پسوند الله و اله به هر صورت در این نام‌ها ظاهر می‌شود. از جمله روح اله، سیف اله، لطف اله، یداله، عین اله و حتی به سلاطین ایرانی لقب ظل الله را داده بودند که مراد سایه خداوندگار بر روی زمین است. به نظر می‌رسد این نوع نام‌گذاری ریشه در فرهنگ هند و اروپایی دارد نه فرهنگ سامی.

بهره‌گیری از نام‌های مرکب در ایران امروز امری نامتداول نیست، اما ایرانیان امروزی بالاخص مرزنشینان، نام‌های ساده خوش صوت با موسیقی کلامی و نیز خوش معنا را ترجیح می‌دهند. مع هذا تعداد نام‌های مرکب اندک نیست ساختار دستوری اسامی یا نام‌های مرکب بسیار متنوع است. از جمله می‌توان به مصدری از آن‌ها اشاره کرد:

❖ اسامی مرکب گاه از دو اسم ساخته می‌شود: روان‌مهر، آریامهر، آریان‌مهر، آذرسام، آذرسان، آذرشب، آذرکیش، آذرنوش.

❖ اسامی مرکب گاه از اسم و صفت ساخته می‌شود: مهرافزا، گلشن آرا، پاریاب، آذرافزا، جهان‌آفرین، جهان‌بان، جهان‌بخش.

❖ اسامی مرکب گاه از اسم و حرف ساخته می‌شود: بابک («ک» تصغیر یا تحبیب)، افسانه («ه» ابراز ساز)، چوبک (چوب + ک تصغیر)، برشید (پسوند «بر» به معنای بالاتر و فراتر و «شید» به معنای خورشید)، فریبا (فریب + «آ» صفت مشبه)، نیوشا (نیوش + آ).

❖ گاه از اسم و صفت معمولی ساخته می‌شود: شهداد، خداداد، کوه‌زاد، فرادید.

❖ گاه از اسم و یای نسبت ساخته می‌شود: فرهی (منسوب به شأن و شوکت).

❖ گاه از اسم و پسوند ساخته می شود: الوند، فرازمند، فره وش.

نام های پدران و مادران و نقش آن در نام های فرزندان عمدتاً نام هایی که والدین دارند به نوعی نزدیک به نام هایی است که برای فرزندان شان برمی گزینند. دشوار در میان خانواده هایی که نام پدر شهریار و نام مادر بیتا است بتوان نام پسر را برای مثال میثم و نام دختر را سمیه یافت و معمولاً پدری که شهریار نام دارد، نام پسرانش را شاهین و شروین و نام دخترانش شادان و شاهدخت می گذارند و به همین سیاق، دشوار نام پدری که چراغعلی است برای فرزند پسرش نام شاهین را برمی گزینند و نام دخترش را تامیلا می خواند و معمولاً نام فرزندان ذکور چنین پدری با چنان نامی که ریشه در سنت و مذهب دارد، عمدتاً همان نام های مذهبی است. البته در مواردی مشاهده می شود که پدری با نام زلفعلی یا چراغلی یا قنبر به جهت تحولات خانوادگی، دگرگونی های اجتماعی و سیاسی و بالاخص تغییر پایگاه اقتصادی در انتخاب نام فرزندان به نام های فارسی امروزی یا نام اسلامی خوش آواتر چون علی و محمد روی می آورد.

نام و پایگاه های اجتماعی والدین

پیش از پیروزی انقلاب اسلامی که گرایش های ملی گرایانه قوی تر بود و کم تر تحت الشعاع عواطف مذهبی قرار گرفته بود، عمده نام ها معطوف به نام های شاهنامه یی و حتی گاه اوستایی بود.

در میان خانواده های شهرنشین مدرن و امروزی، حضور نام های سره ایرانی چون پامچال، پارمیدا، پارسیا، دُرسا و دُرنا بسیار رواج یافته بود، به نوعی که وجود این نام ها در این نوع خانواده ها تعیین بخش نوعی مدرنیسم و نیز پایگاه اجتماعی والا تر بود و گاه ابزار و اسباب تفاخر به شمار می آید.

خانواده هایی که پایگاه های اجتماعی و سیاسی والا تر و در عین حال اصالت خانوادگی بیش تری داشتند، گرایش شان به نام های شاهنامه یی به خصوص برای

پسرهای‌شان بیش از نام‌های اوستایی یا خارجی بود و در این خانواده‌ها وجود نام‌هایی چون بهمن، هومن، تهمورث و جمشید بسیار رواج داشت و برای دختران‌شان نام‌هایی چون تهمینه و سودابه و زرستان، نام‌هایی ناآشنا نبود که بسیار آشنا. خانواده‌های سنتی با زمینه‌های مذهبی، نام‌های عربی یا اسلامی را ترجیح می‌دادند. اما این نام‌ها غالباً صورتی جدید از نام‌های اسلامی بود نام‌هایی چون امیرمحمد، امیرعلی، امیرعباس، محمدامین. ولی هرگز نشانی از نام‌هایی چون عقیل، سمیه، یاسر و عمار مشاهده نمی‌شد و نام‌های مذهبی به قلمرو نام‌های آشنا و دیرآشنای حوزه چهارده معصوم محدود می‌شد.

نام و پایگاه‌های فرهنگی والدین

رابطه‌ی مستقیم بین نام‌های زیبا و فرهنگ وجود دارد. خانواده‌های فرهنگی برای نام‌گذاری فرزندان‌شان به عناصر مختلفی توجه داشته و دارند. نخست مفهوم و معنای نام برای آنان اهمیت دارد. آنان به جهت تماس پیوسته با کتاب و شناخت منابع نام‌گذاری و نیز آگاهی از معنای واژگان و نام‌ها، غالباً نام‌های زیبا و پسندیده را برای فرزندان خود برمی‌گزینند و مرحله دوم به موسیقی و آوای نام توجه نشان می‌دهند. اگرچه نام‌هایی چون ریتا، ملینا، سیتا و چیترا نام‌های خوش آهنگی است، اما به ندرت در میان فرزندان خانواده‌هایی با فرهنگ چنین نام‌هایی مشاهده می‌شود.

بدیهی است بین خانواده‌های فرهنگی با زمینه‌های مذهبی و زمینه‌های غیرمذهبی گزینش نام تفاوت‌هایی مشاهده می‌شود. در خانواده‌های مذهبی با فرهنگ بالا نام‌هایی چون سعید، وحید و حمید برای پسران و نام‌هایی چون فاطمه، فرح، فائزه و ریحانه اندک نیست.

نام و پایگاه‌های قومی

سرزمین ایران قومیت‌های مختلف ایرانی را در خود جای داده است، شاخص‌ترین این قومیت‌ها کردها هستند که غالباً نام‌های کردی را برای فرزندان خود برمی‌گزینند.

کردها که نژاده‌ترین مردم این سرزمین هستند، بنیان‌گذار حکومت مادها هستند که اولین سلسله شاهنشاهی را در ایران تأسیس کردند که جنبه تاریخی دارد، چه در اسطوره‌ها و افسانه‌های ایرانی پیش از مادها نیز سلسله‌های سلطنتی چون کیانیان و پیشدادیان نیز در ایران زمین مملک‌داری کرده‌اند.

اما مستندات تاریخی از مادها سخن می‌گوید که هگمتانه یا اکباتان و یا همدان امروز پایتخت ایشان بوده است.

نام‌های کردی که ریشه‌های ایرانی اصیل دارد، از جمله نام‌های زیبا، دل‌نشین و معمولاً خوش‌آوا و با موسیقی گوش‌نواز است که در این مجموعه در حوزه قومیت‌های ایرانی ثبت شده است.

دشوار بتوان آذری‌ها را یک قوم دانست؛ زیرا مردم آذری زبان بخشی از اکثریت مردم ایران را تشکیل می‌دهند و اگرچه زبان آنان بر اثر تماس با ترکان عثمانی و ترکان زرد پوست ناحیه شمال شرقی ایران تغییر کرده است، لکن ایشان همانند کردها، بختیاری‌ها و لرها، ایرانی تمام عیارند. نام‌های این مردمان خوب کشورمان عمدتاً فارسی و نیز اسلامی یا عربی است، اما گاهی از نام‌های ترکی نیز بهره می‌گیرند نام‌هایی چون آیدین، آیلار، آيسان (آی به معنای ماه و سان فارسی و به معنای مانند) و نام‌های دیگری از این دست از جمله این نام‌هاست.

ارامنه و آشوریان، دو قومیت غیرایرانی هستند که قریب به چهار صد سال است در ایران زندگی می‌کنند و با آیین‌ها و فرهنگ ایرانی در آمیخته‌اند، لکن نام خود را که بیان‌گر هویت ایشان است حفظ کرده‌اند. نام‌هایی چون رافی، رانیک، آرم‌ن و آرینه از جمله نام‌های زیبای ارمنی است که در میان ارامنه کشورمان بسیار رایج است.

یهودیان ایران که حضورشان در این سرزمین به بیش از ۲۵۰۰ سال می‌رسد آن‌چنان با فرهنگ ایرانی در آمیخته‌اند که در میان نسل‌های امروزشان دشوار بتوان نام غیرایرانی اصیل باز یافت، مع‌هذا گاه نام‌هایی چون اسحق، موسی و یعقوب را در میان نسل‌های پیشین می‌توان یافت.

جنسیت در نام‌گذاری

در زبان فارسی برخلاف عربی، نشانه مشخصی برای نام‌های زنان و مردان وجود ندارد. و بی‌هیچ مجادله‌یی این امر یکی از نشانه‌های برابری مرد و زن در فرهنگ ایرانی است.

در زبان عربی در مواردی با افزودن «ه» یا «ة» تأنیت به انتهای پاره‌یی اسامی مذکر، صورت مؤنث آن نام ساخته می‌شود که اصطلاحاً مؤنث لفظی خوانده می‌شود.

فاطم (اسم فاعل مذکر به معنای بچه شتر از شیر گرفته شده) ← فاطمه، نفیس (گران قدر) ← نفیسه، لطیف (نرم و نازک) ← لطیفه، سعید (نیک‌بخت شده) ← سعیده، شریف (بزرگوار و محترم) ← شریفه، حمید (ستوده شده) ← حمیده، عفیف (پاک‌دامن) ← عفیفه، وحید (بی‌همتا) ← وحیده، عزیز (بزرگ و گرامی) ← عزیزه، مسعود (نیک‌بخت) ← مسعوده، محبوب (دوست داشتنی) ← محبوبه.

در زبان عربی علاوه بر مؤنث لفظی، مؤنث حقیقی و مؤنث مجازی نیز داریم که در این مقال، مجال بحث آن نیست، اما برای مؤنث لفظی از الف مقصوره نیز استفاده می‌شود مانند صغری، کبری، لیلی و حتی پاره‌یی نام‌های مذکر صورت مؤنث لفظی دارند مانند مصطفی و مرتضی و نیز از «الف» ممدوده برای تأنیت بهره گرفته می‌شود.

اما در زبان فارسی این چنین نیست. نام‌ها در مواردی به جهت چهره‌های شاخص تاریخی، فرهنگی و اجتماعی آنان انتخاب می‌شوند. برای مثال در نام پرویز، نشان خاصی از مذکر بودن دیده نمی‌شود، لکن هیچ خانواده‌یی نام دختر خود را «پرویز» نمی‌گذارد، چرا که این نام، یادآور خسرو پرویز است؛ و یا هیچ پدری یا مادری «رستم» را برای دختر خود بر نمی‌گزیند، چرا که این نام تداعی بخش پهلوان پهلوانان ایران زمین است و گزینش نام فرهاد برای فرزند پسرشان فقط به اعتبار قصه عشق شیرین و فرهاد است.

و چنین است نام کتایون؛ که هیچ پدر و مادری چنین نامی را برای فرزند ذکور خود بر نمی‌گزینند به جهت همان سابقه تاریخی و نیز نام‌هایی سودابه و رودابه را.

گاه در زبان فارسی از پسوند «دخت» مخفف دختر و «بانو» و «پور» برای نام‌های دختران

و پسران استفاده می‌شود، بنابراین نام‌هایی که در انتهای آن‌ها «دخت» یا «بانو» جای می‌گیرد مانند سیمین دخت، زرین دخت، به دخت، ناز دخت و شهربانو قطعاً متعلق به دختران است و نام‌های چون پورشاد، پورزاد، پور سینا و... متعلق به پسران.

توضیح آن‌که در مواردی چون پورسینا واژه «پور» جای «ابن» عربی نشسته است.

گاه گزینش نام پسران و دختران در زبان فارسی به جهت معنایی است که آن نام‌ها دارند و با ویژگی‌ها و صفات پسرانه یا دخترانه سازگارتر است. برای مثال «ناز» از ویژگی‌های زنانه است و این قلم «نازمردانه» نمی‌شناسد. بنابراین نام‌هایی مثل «مهرناز»، «شهرناز»، «فرناز»، «شهناز» و «بهناز» برای دختران و نام‌هایی چون «کوهیار»، «پولاد»، «چالاک» و «چابک» برای پسران برگزیده می‌شود. و چنین است پیشوند «گل» در نام‌های دختران مانند: گلرخ، گلچهره، گلندام و گل‌نسا و حتی نام‌های گل‌های مختلف به دختران تعلق دارد: نسترن، نسرين، یاسمن، نرگس و نیز نام پرندگان ظریف و زیبا: چکاوک و سمانه را برای دختران تخصیص داده‌اند.

نبود نشانه‌های مؤنث و مذکر در زبان فارسی و نیز انگلیسی در اسم علم، در عین آن‌که بیان‌گر برابری است که ایرانیان در ذهن خود نسبت به این دو جنس فائلدگاه خطاهایی را نیز پیش می‌آورد از جمله همواره نام «مهرنوش» را برای دختران می‌پنداشتم و وقتی با این نام برای مردی مواجه شدم، موجب حیرت گردید هر چند که باید بپذیریم پدرها و مادرها می‌توانند هر نام خوش آوا و خوش معنایی را بر فرزندان خود بگذارند و سابقه تاریخی مهرنوش به یک شخصیت مذکر تاریخی باز می‌گردد.

اما سخن اصلی در این جاست که در زبان فارسی به سیاق عربی، با افزودن «ه» بر انتهای نام پسران، نام دختران پدید نمی‌آید، چه بسیاری از مردم می‌پندارند که «مهران» نام پسر و «مهرانه» نام دختر است و یا «رخسار» نام پسر و «رخساره» نام دختر است و نیز رباب و ربابه و نیز مهکام و مهکامه.

باید توجه داشت این نام، ما می‌تواند هم به پسر و هم به دختر تعلق گیرد و همان گونه که اشاره شد تعیین نام پسران و دختران، معیارهای دیگری به غیر از «ه» تأیید عربی دارد.

نام‌گذاری بعد از انقلاب اسلامی

در پی پیروزی انقلاب اسلامی و اوج گرفتن عواطف انقلابی و مذهبی و نیز در پی حدوث جنگ هشت ساله که این عواطف را به اوج رساند، ایرانیان بالاخص آن زمانی که حوادث انقلاب و جریانات پس از آن را با همه وجود حس کردند، به نوعی خود را با مسلمانان صدر اسلام قیاس می‌کردند و این مقایسه آگاهانه یا ناآگاهانه موجب شد که بسیاری از ایرانیان که آکنده از عواطف مذهبی بودند، فرزندان پسر و دختر خود را با نام‌های مذهبی بخوانند و به خصوص نام‌های چهره‌های شاخص صدر اسلام و سپس نام یاران و نزدیکان حضرت محمد(ص) و حضرت علی علیه السلام بسیار رواج یافت. نام‌هایی چون میثم، یاسر، عمار، ابوذر، سمیه و زینب، نام‌هایی بود که تقریباً در دوران پیش از انقلاب هیچ خانواده مذهبی اندیشه خواندن فرزندان خود و نام‌گذاری ایشان را به خود راه نمی‌داد، اما با نگاهی به آمار نام‌ها در دهه نخست انقلاب، این نکته آشکار می‌شود که حداقل در صدی از کودکان ایرانی به این نام خوانده شده‌اند؛ لکن به تدریج از تمایل ایرانیان به چنین نام‌هایی کاسته شد و از دهه ۱۳۷۰ به بعد کم‌تر به این نام‌ها روی آوردند.

این قلم که به جهت پاره‌یی تعلقات، پیوسته در استان مازندران رفت و آمد دارد شاهد این روند حرکت به سوی اسم‌های عربی یا اسلامی و سپس فاصله‌گیری از این نام‌ها بوده است. استان مازندران از معدود استان‌هایی است که در دوران پیش از انقلاب، حتی در مذهبی‌ترین و سنتی‌ترین خانواده‌ها، نام‌های عربی رواج چندانی نداشت و در مقابل، نام‌های شاهنامه‌یی رواج بسیار داشت؛ نام‌هایی چون وهرز، سهراب، ساسان، سامان، گودرز، هرمز و بهمن و به خصوص آن‌چنان فراوان بود که نام‌های محمد و مهدی و علی و حسین در استان قم.

پس از پیروزی انقلاب، به ناگاه این نام‌ها فراموش شده و یک نسل از مردم خوب مازندران با نام‌های عربی و اسلامی خوانده شدند، نام‌هایی که پیش از این برشمرده شد. لکن از دهه ۱۳۷۰ به بعد، دیگر بار رجعتی شد به نام‌های شاهنامه‌یی و البته نام‌هایی چون محمد و علی و حسین نیز در کنار نام‌های قهرمانان ملی قرار گرفت.

بدین ترتیب اکنون جوانان و نوجوانانی در مازندران داریم که سال‌های بین ۱۵ تا ۲۵ را با نام‌های اسلامی می‌گذرانند پس از این دوره، دیگر بار نام‌های مردمان مهربان مازندران به نام‌های شاهنامه‌پی بازگشت.

موسیقی نام

یکی از عوامل مهم در انتخاب نام به جهت موسیقی و آوای آن است. گزینش نام‌هایی بر وزن مینا مانند ریتا، تینا و لینا که فاقد معنا هستند صرفاً به جهت موسیقی آنان است. کلمه مزگان جمع مژه نامی است که برای دختران برگزیده می‌شود و بسیار نیز رایج است، چرا که صوت «ژ» آن چنان است که به دل می‌نشیند و با آن که مزیت خاصی بر پلک ندارد، اما هیچ کس از پلکان (جمع پلک) برای نام‌گذاری پسر یا دختر خود بهره نمی‌گیرد. از چهار حرف اصیل فارسی «پ»، «ج»، «ژ» و «گ» هر چه اسم ساخته می‌شود برخوردار از موسیقای زیبایی است. واژه‌یی مانند «پژمان» که معنای آن غم و اندوه و سرگستگی است بر بسیاری از پسران ایرانی نهاده شده. والدین گرچه در اکثر موارد بی‌توجه به معنای این نام بوده‌اند، لکن این نام را به جهت صورت زیبایش که دو حرف اصیل فارسی یعنی «پ» و «ژ» در آن است برای فرزندان خود برگزیده‌اند و چنین است واژه پاژنگ که به معنای کفش و پای‌افزار است. بدیهی است انتخاب نام بدون توجه به معنای اصلی آن بوده است و برگزیننده آن فقط و فقط به جهت موسیقای آن، آن را برگزیده است و نیز چنین است واژه آژنگ که به معنای چین و چروک در چهره است و آژند که گل میان دو خشت است.

جادوی نام

پیش از این نیز اشاره شد که نام از اهمیت خاصی برخوردار است، شما را به دیگران معرفی می‌کند و به شما نزد دیگران شخص می‌بخشد، به آنان می‌گوید شما که هستید. اگر کسی نام شما را غلط ثبت کند فوراً به او تذکر می‌دهید که شیوه ثبت نام‌تان این‌گونه نیست، زمانی یکی از شاهان بخش شرقی آلمان به نام ثئوراتوس می‌اندیشید که برای پیروزی در نبرد یا موفقیت در زندگی، «نام» نقش بسیار مهم دارد و نام‌ها بخت و اقبال

انسان‌ها را تعیین می‌کند.

جادوگری که این اندیشه را به او منتقل کرده بود به تعدادی خوک که در خوکدانی زندگی می‌کردند نام‌های رومی داد و به تعدادی دیگر نام‌های گوتیک، پس از چند روز خوک‌هایی که نام‌های گوتیک داشتند همه مردند و خوک‌های با نام رومی زنده ماندند و جادوگر چنین استنتاج و پیش‌بینی کرد که نتیجه نبرد بین سپاه گوتیک و سپاه روم نیز چنین خواهد بود.

در نوشته‌های کلاسیک اشاره‌های بسیاری به این اعتقاد وجود دارد که نام‌ها می‌توانند شوم و نحس یا خوش یمن و میمون باشند و می‌توانند بر حوادث آینده و نیز طبیعت صاحبان آنان اثر گذارند. نمونه بارز آن در مورد شاه‌صفی فرزند شاه عباس کبیر است که چون بر تخت سلطنت تکیه داد بسیار بیمار بود و پزشکان از درمان وی ناتوان. سرانجام یکی از جادوگران زمانه پیشنهاد کرد در صورتی که نام وی را از شاه‌صفی به شاه‌سلیمان تغییر دهند او درمان خواهد شد و به سلامت خواهد زیست و چنان کردند و چنین شد.

در قرن سوم میلادی شاعری به نام دسیموس گلنوس آسونیوس گفته بود: "خداوند باری تعالی فرموده است که نام هر کس مبین شخصیت اوست."

هم رومی‌ها و هم پیوری‌تان‌های انگلیس بر این باور بودند که دادن نامی زاهدانه به فردی موجب می‌شود آن فرد در زهد و پاکی زندگی کند. سران سپاه روم سربازانی را ترجیح می‌دادند که والدین‌شان نام‌ها ویکتور به معنای پیروز و پیروزمند را بر آنان نهاده بودند، چرا که این سربازان موجب پیروزی آنان در جنگ می‌شد. چه‌بسا تغییر نام تیم فوتبال پرسپولیس به پیروزی با این اندیشه بوده است. یونانیان ضرب‌المثلی دارند با این مضمون: «نام خوب، بخت خوب است» و این ضرب‌المثل نزد آنان رواج داشت. بسیاری از پیروان مذهب پیوری‌تان در قرون شانزده و هفده به فرزندان خود نام‌هایی می‌دادند که به نوعی به زهد و پرهیزگاری ارتباط می‌یافت و یا چنین مفهومی از آن‌ها برمی‌خاست. البته در اکثر مواقع این نام‌کاربردی عمومی نیافت. نام‌هایی از گونه: ریاضت، مجادله‌گریز، عادل، رستاخیز، مقبول، فحشاستیز، گنه‌کش، دوستی، مودت، رها شده، بخت، طلوع،

خاکستر، عشق، جست و جو در کتاب مقدس، خردجو، پشیمان از گناه، حبل‌المتین، بی‌چاره، شکوه‌مند، خیرات، آسایش، خوشنود، آرزو، انضباط، اهدا، خاک، از فراسو، خدا خواست، قبر، شیطان‌ستیز، افتخار، امید، آرامش الهی، موهبت و بسیاری نام‌های دیگر از این دست در میان پیوری‌تن‌ها کاربرد داشت.

در دربار ساسانیان چنان رسم بود که برای نام‌گذاری فرزندان خاندان سلطنتی، شاه در گوش کودک نامی را می‌خواند و نامی دیگر را به آشکارا بیان می‌داشت چنان که در سال پنجم خسرو پرویز از مریم همسر شاه کودکی متولد شد، خسرو او را قباد نام نهاد و نام قباد را در گوش او نجوا گفت ولی نام شیروی را آشکارا بیان داشت. بسیاری از مومنان برای نام‌گذاری فرزندان‌شان، انجیل را می‌گشودند و نخستین کلمه‌ی را که در بالای صفحه در برابر چشم‌شان قرار می‌گرفت، به عنوان نام کودک تازه متولد شده برمی‌گزیدند و به همین جهت بسیاری از کودکان «کلمه» نام گرفتند. پیش از این نیز اشاره شد که بسیاری از ترکمانان خودمان نیز با قرآن چنین می‌کنند.

داستانی است بر سر زبان‌ها که سفیران فرانسه در قرن سیزدهم به دربار آلفونسو شاه اسپانیا رفتند تا یکی از دختران آلفونسو را برای لویی هشتم پادشاه فرانسه خواستگاری کنند. دختر بزرگ‌تر آلفونسو زیباتر و دل‌نشین‌تر بود و بدیهی به نظر می‌رسید که او را برای همسری لویی هشتم برگزینند. وقتی نمایندگان لویی از نام آن دختر که «اوراکا» خوانده می‌شد، آگاه شدند از خواستگاری او سر باز زدند و دختر کوچک‌تر را که «بلانش» نام داشت برگزیدند. خواهر کوچک‌تر هرگز به زیبایی خواهر بزرگ‌تر نبود، اما نزد فرانسویان «اوراکا» کلامی با صوتی ناخوش‌آیند و به معنای نوعی «کلاغ سیاه و سفید پرهیاهو» بود، ولی «بلانش» به معنای سفید و پاک دامن و زاهدپیشه بود و سفرای فرانسوی می‌دانستند اکثریت مردم کشورشان بر این باورند که دختری با نام خوب و پسندیده، قطعاً همسر خوبی نیز خواهد بود و نام خوب، خود بخت خوب نیز می‌آورد.

این تصور دیرینه سالی در بسیاری از نقاط جهان رواج داشته که اگر کسی نام‌تان را بداند به نوعی تحت نفوذ و قدرت او قرار می‌گیرید. سرخ‌پوستان گویان و افراد بسیاری از قبایل آفریقایی، بومی‌های استرالیا، کوه‌نشینان شبه جزیره مالی و بسیاری از

سرخ‌پوستان آمریکای شمالی از گفتن نام واقعی خود نزد کسی که از قبیله‌شان نبوده، پرهیز داشتند. آنان از هر بی‌گانه‌یی که اسم‌شان را می‌پرسید می‌خواستند که نامی را بر روی تکه کاغذ بنویسد، هر نامی که می‌خواهد باشد و آن وقت آن کاغذ را به هر غریبه‌یی که نام‌شان را می‌پرسید، نشان می‌دادند تا آن‌جا که این نام روی کاغذ نوشته شده به آنان ارتباط می‌یافت، فقط یک عَرَض با برچسب بود.

نزد کودکان خودمان نیز چنین تصویری وجود دارد، کودکان از بیان نام واقعی خود نزد بی‌گانگان پرهیز دارند، چه در مافی‌الضمیر خویش می‌پندارند بیان نام واقعی‌شان موجب می‌شود روح‌شان در تسخیر آن بی‌گانه قرار گیرد، به نظر می‌رسد چنین تصویری نزد زنان برخاسته از خانواده‌های مذهبی نیز باشد، آنان از ذکر نام کوچک خود پرهیز دارند و غالباً با نام خانوادگی، خود را معرفی می‌کنند و شوهران‌شان نیز همسران‌شان را با نام پسر اول‌شان می‌خوانند و گاه عبارتی چون «خانه ما» را به جای نام همسرشان به کار می‌گیرند. مردمان بی‌فرهنگ از «بُز ما» استفاده می‌کنند که به راستی تاسف‌آور و وهن‌انگیز است.

نزد اکثر سرخ‌پوستان، نام واقعی‌شان یک راز است و آن را چون جان خویش حفظ می‌کنند. در سال ۱۸۹۸ رساله‌یی توسط فرانک بوآ سیاح منتشر شد که در آن آمده بود سرخ‌پوستان کواکیوتل کلمبیای بریتانیا در صورتی که بدهی داشتند نزد فردی نام خودشان را گرو می‌گذاشتند و در نتیجه هویتی نداشتند تا دین خود را ادا کنند و نام خود را بازپس گیرند. بازپس‌گیری نام‌شان مهم‌تر از به دست آوردن موروثی‌شان در جوامع غربی بود.

نظیر همین رفتار را نزد ایرانیان قدیم می‌دیدیم که یک تار موی سیل خود را گرو می‌گذاشتند و تا آن تار را بازپس نمی‌گرفتند، هویتی برای خود نمی‌شناختند. آن سرخ‌پوستان بدون نام خود هیچ هویتی نداشتند. در واقع نزد جوامع غربی نام‌ها ضامن محصول تجاری آنان است و جادوی نام که در این نام‌ها یا علایم تجاری نهفته شده، نشان‌گر نوع دیگری از این تفکر است. برخی نام‌ها نقش جادویی قدرت‌مندی دارند و عده‌یی حاضرند مبلغی بپردازند تا آن نام بر پیراهن ورزشی‌شان ثبت شود، چه بر این باورند آنان را در میادین ورزشی و مسابقات ورزشی پیروز می‌گرداند. یکی از خرافات نزد

گروهی از زنان انگلیسی آن است که بعد از ازدواج نام خود را تغییر می‌دهند و خود را با نام جدیدی می‌خوانند یعنی هویتی تازه یافته‌اند.

و اما در خصوص نام‌نامه یا فرهنگ نام حاضر:

نگاهی به نام‌های ذکر شده در این نام‌نامه نشان می‌دهد که بسیاری از نام‌های زنان، بالاخص نام‌های عربی زنان به خصوصیات فیزیکی آنان برمی‌گردد. نام‌هایی مانند حورا (زن سیه چشم)، شهلا (زن کبود چشم)، کلثوم (زن برجسته گونه)، محسنه (زن زیباروی)، وجیهه (زن زیباروی)، ملیحه (زن نمکین)، وسیمه (زن خوب‌روی) و در نام‌های ترکی واژه «آی» به معنای «ماه» نقش تعیین‌کننده‌ی دارد. آیدن، آیلار، آيسان، آیدا و... و در نام‌های مازندرانی و کردی، جنسیت حضور چشم‌گیری دارد. با این اشاره سودای آن دارم که توجه جامعه‌شناسان را معطوف کنم به اهمیت و نقش نام در تأثیرپذیری از نحوه زیست یا نوع نگرش افراد یک جامعه.

نکته آخر این که در این «نام‌نامه» انواع نام‌ها اعم از نام‌هایی با معانی زیبا و نام‌هایی با معنایی ناپسند آورده شده، نام‌هایی که بسیاری از والدین بی‌توجه به معانی آن‌ها، فرزندان خود را بدان گونه خوانده‌اند. ضبط این نام‌های زشت معنا یا ناخوش‌آیند از آن باب بوده است که والدین و بزرگ‌های خانواده با نظر داشت به معانی آن‌ها از نامیدن عزیزان خود بر آن نام‌ها پرهیز کنند، که امید است چنین شود. در ضمن آوانویسی نام بر مبنای تلفظ فارسی است برای مثال آن گونه که فارسی زبان «حسین» را تلفظ می‌کند، آوانویسی شده نه آن گونه که اعراب این نام عزیز را می‌خوانند و نیز چنین است در خصوص سایر نام‌های عربی.

این نام‌نامه بر مبنای سیر تاریخی حیات ایرانی شکل گرفته: بخش نخست به نام‌های اسطوره‌یی، نام‌های اوستایی، نام‌های شاهنامه‌یی و نام‌های ایرانی سره و سپس نام‌های ایرانی - اسلامی تخصیص یافته است.

بخش دوم: به نام‌های دوران اسلامی - ایران اختصاص دارد که صرفاً نام‌های عربی متداول در میان ایرانیان و ناظر بر فرهنگ شیعی آنان است.

بخش سوم: به نام‌های قومیت‌های ایرانی تعلق دارد. این قومیت‌ها شامل

قومیت‌های زبانی و اقلیت‌های دینی است. همان‌گونه که اشاره شد با آن که کردها نزاده‌ترین و اصیل‌ترین مردم این سرزمین هستند و نیز آذربایجانی‌های آذری زبان، همه و همه در شمار قومیت‌های ایرانی قرار گرفته‌اند و نیز آرامنه و آشوریان که بخشی از فرهنگ و اجتماع ایران زمین به شمار می‌آیند، دارای نام‌هایی زیبا و خاص هستند که معرف هویت ویژه آنان است.

در پایان برای بازایی و مشاهده آسان نام‌ها در یک نگاه، فهرستی الفبایی از کلیه نام‌ها تهیه شده و مراجعه‌کننده با یک نگاه می‌تواند نام مورد علاقه خود را بدون هیچ گونه تقسیم‌بندی بیابد و با مراجعه به شماره صفحه یاد شده در برابر آن، هویت و معنای نام را شناسایی کند. با نام نیکوی‌تان نیکو بزیبید.